

درس پنزدهم

نوروز

با توجه به سوالات داده شده، گزینه‌ی مناسب را انتخاب کن.

الف: در میان جمله‌های زیر، کدام یک نادرست است؟

- (۱) تحویل سال لحظه‌ای است که سال نو شروع می‌شود.
- (۲) مردم جهان، نخستین روز سال نو را جشن می‌گیرند.
- (۳) ر نوروز کوچک‌ترها به بزرگ‌ترها عیدی می‌دهند.
- (۴) مردم قبل از نوروز در جشن نیکوکاری شرکت می‌کنند.

ب: در چند کلمه از کلمه‌های زیر، اگر با «ان» جمع بسته شوند، به جای «ان» باید «گان» بگذاریم؟

گذشته، نویسنده، پدر، مهمان، پروانه، خفته

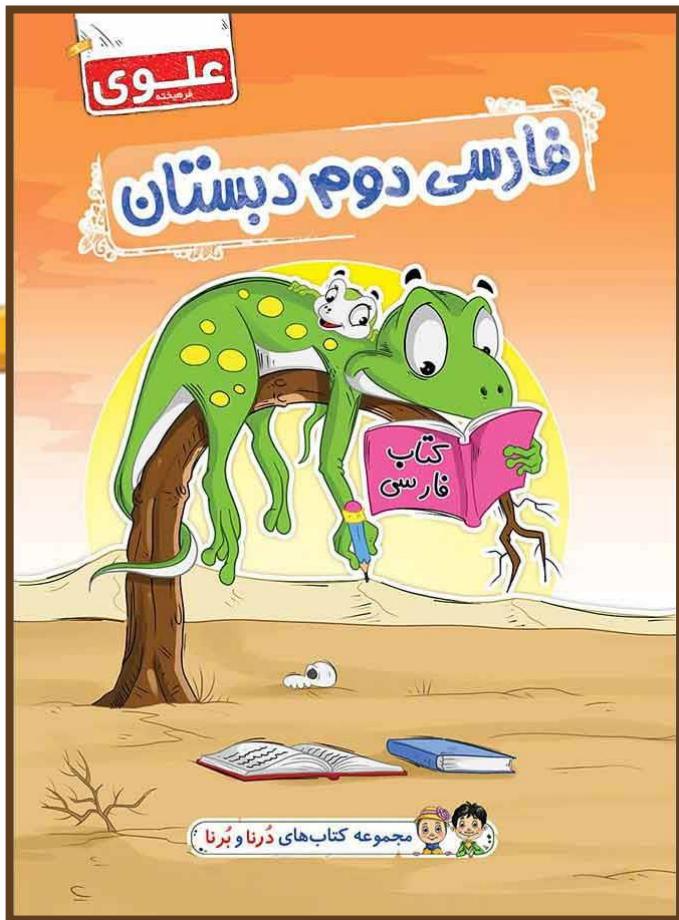
(۱) هفت (۲) شش (۳) سه (۴) چهار

پ: به کدام یک از کلمات زیر می‌توان هم «ها» و هم «ان» اضافه کرد؟

(۱) درخت (۲) کلمه (۳) دارو (۴) روستا

ت: عید نوروز در چه فصل و چه ماهی قرار دارد؟

(۱) بهار - خرداد (۲) بهار - اردیبهشت (۳) بهار - فروردین (۴) بهار - تیر



درسی شانزدهم

پرواز قطره‌ها

۴

با استفاده از کلمه‌های داده شده مخالف هر واژه را بنویس. (دو گزینه اضافی است.)

گرسنه، آرام آرام، نزدیک، تشنه، دیر، بالا

دور \neq نزدیک

تندتند \neq آرام آرام

سیراب \neq تشنه

پایین \neq بالا

خورشید چه فایده‌هایی دارد؟

۵



با توجه به کلمات موجود در جدول، سوالات مناسب طرح کن و بنویس.

	چ	و	م		۱
ب	ا	ر	ی	س	۲
ن	ا	م	س	ا	۳
ل	گ	ن	چ		۴

(۱) دریا به ساحل می آید.

(۲) پر از آب.

(۳) ستاره ها در هستند.

(۴) پر از درخت و گل است.

با توجه به سوالات داده شده، گزینه‌ی صحیح را انتخاب کن.

الف: کدام گزینه با بقیه فرق دارد؟

(۱) ناراحت

(۲) نادرست

(۳) نام

(۴) ناتوان

ب: در حکایت «شیر و موش»، شیر چرا پشیمان شد؟

(۱) چون سلطان جنگل بود.

(۲) چون موش را دست کم گرفته بود.

(۳) چون شکارچی‌ها را دست کم گرفته بود.

(۴) چون به دام شکارچی‌ها افتاده بود.

پ: به اول کدام کلمه، می‌توان «نا» اضافه کرد؟

(۱) بلند

(۲) دوست

(۳) بود

(۴) خیر

ت: در متن زیر، چند کلمه‌ی نا درست نوشته شده است؟

«خرشید و ثط آسمان نشسته بود. ناگهان آب دریا موجی زد و قطره‌های آب به اتراف پراکنده شدند.»

(۱) یک

(۲) دو

(۳) سه

(۴) چهار

ث: ابر کوچولو وقتی به خورشید نزدیک شد، چه کرد؟

(۱) سلام کرد

(۲) لبخند زد

(۳) صورت او را بوسید

(۴) شادی کرد

دو کبوتر سال‌های سال در کنار هم زندگی می‌کردند. تابستان و بهار دانه جمع می‌کردند و آن‌ها را در سرما و زمستان می‌خوردند.

آن‌ها یک سال، تمام بهار را دانه جمع کردند و خیلی کم از آن‌ها خوردند تا در زمستان گرسنه نمایند. هوا در آن بهار، بسیار سرد شده بود و باران می‌بارید.

کبوتر نر به کبوتر ماده گفت: «تو مراقب دانه‌ها باش. از آن‌ها نخور تا من بروم و برگردم.» او رفت و مدتی بعد، وقتی تابستان شده بود با دانه بازگشت.

آفتاب و گرمای تابستان باعث شده بود که دانه‌ها خشک شوند و مقدار آن‌ها کمتر شود. کبوتر فکر کرد که زنش آن‌ها را خورده است.

آن‌ها با هم دعوا کردند کبوتر ماده از لانه‌شان به روی زمین افتاد و بالش شکست و دیگر نتوانست به بالای درخت برود و همان‌جا از درد و غصه مرد.

پاییز از راه رسید. قطره‌های باران به دانه‌ها خورد و دوباره آن‌ها زیاد نشان داده شدند و کبوتر نر از اشتباه خود با خبر شد.

«کلیله و دمنه، باب پادشاه و برهمنان»

الف: کبوترها در کدام فصل‌ها، دانه جمع می‌کردند؟ چرا؟

تابستان و بهار.

ب: در داستان، نام چند فصل آورده شده است؟ ۴ فصل.

پ: آیا می‌دانید در سال، چند فصل وجود دارد؟ ۴ فصل.

ت: چرا کبوتر ماده به جز درد، از غصه و ناراحتی مُرد؟

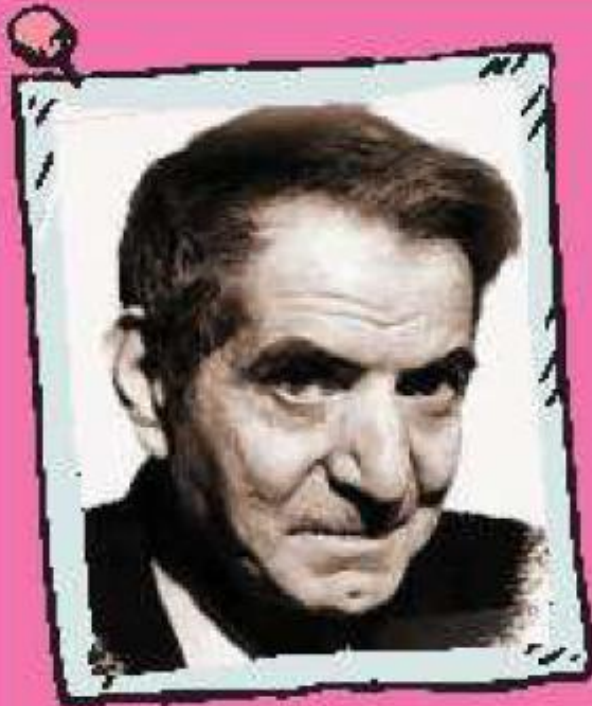
چون کبوتر نر به او تهمت زده بود که دانه‌ها را خوردی.

ث: به نظر تو، ممکن است این داستان در واقعیت اتفاق بیفتد؟

خیر

ج: تأثیر آفتاب بر دانه‌ها چگونه بود؟

باعث خشک شدن دانه‌ها شد.



شهریار

سید محمد حسین بهجت تبریزی معروف به شهریار از شاعران مشهور و اهل ادب است که اشعار زیبایی را به زبان فارسی و آذری سروده است. او در ۱۱ دی ۱۲۸۵ در خانواده اهل ادب در یکی از روستاهای شهر تبریز به دنیا آمد. او در ۲۷ شهریور ۱۳۶۷ درگذشت و در مقبرة الشعرا که در شهر تبریز قرار دارد دفن شده است. از اشعار مهم او به زبان فارسی «علی ای همای رحمت» و به زبان ترکی «حیدر بابایه سلام» است.



بخوان و بشناس